

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ شنبه ۷ شهریور ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۳۳۹ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان



۱۸۶ هکتار از اراضی گلستان
تغییر کاربردی یافت



۱۰ هزار بسته مایحتاج تحصیلی
توزیع شد



درباره یک رمان

۴۵۰



نسیم شمال

مرغوبترین برنج و خشکبار ایران

تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸

یادداشت اول

بازگشت سردار

■ احسان مکتبی

عبدالکریم حسین زاده معاون رییس جمهور در سفر به گلستان و در دیدار با خانواده سردار آزمون بازیکن ملی گلستانی گفته است رییس جمهور پیگیر بازگشت آزمون به تیم ملی است، همانطور که مخاطبان گرامی می دانند در پی جنگ دوازده روزه سردار آزمون تصویری از خود و حاکم شارجه منتشر کرد و همان تصویر گویا بهانه آن شد تا سردار از عضویت در تیم ملی کنار گذاشته شود هر چند او بعد این تصویر و.. را از صفحه خود پاک کرد اما با اینکه مربیان و گویا فدراسیون فوتبال پیگیر بازگشت او به تیم ملی بودند و از سویی تیم هم در بازی های حساس خود به این فروراد گل زن نیاز داشت اما در نهایت سردار به بازی های جام جهانی نرفت و نتیجه را هم که خود بهتر می دانید، اما مساله در اینجا طرح این پرسش است که اینک که بیش از یک سال از تجاوز اهریمنان به این خاک گذشته است و بازی های جام جهانی به پایان رسیده است و ما تجربه ای را از سر گذرانده ایم منطقی تر و خردمندانه تر با سرمایه ای مانند سردار آزمون رفتار می کردیم، بهتر نبود پیش از هر قضاوتی با او تماس می گرفتیم و اشتباهش را به او تذکر می دادیم و کار را اصلاح می کردیم؟ آیا سردار و امثال سردارها یک روزه در این آب و خاک ساخته و پرداخته می شوند که در کسری از ثانیه از مدار زندگی حذف می شوند و تلختر آنکه بدون او هم با دست خالی از جام جهانی بازگشتیم، رفتار ما با سردار دقیقاً به سان حکایت جناب سعدی در بوستان است که فرمود:

یکی بر سر شاخ بن می برید

خداوند بستان نگه کرد و دید

بگفتا که این مرد بد می کند

نه با من که با نفس خود می کند

نصیحت به جای است اگر بشنوی

ضعیفان میفکن به کتف قوی

انسان هایی که نامشان بزرگ می شود و یا در جایگاه بزرگان می نشینند لابد دچار اشتباه شده و خواهند شد، این حکمرانی خردمندانه است که باید با تدبیر شرایطی را فراهم آورد تا هزینه های اشتباه یک شخص برای یک ملت هزینه ساز نباشد و از آن به سان تجربه ای برای ارتقای جامعه خود بهره برد و الا حذف کردن و کنار گذاشتن سرمایه ها یک ملت هیچ جامعه ای را به ارتقا نرسانده است. کاش کمی تدبیر همیشه در گوشه کلاهمان باشد.

صاحب امتیاز

روایت وفاق و سازندگی
در گنبد کاووس

» ۷ «

تفریح هایی که حالمان را
خوب می کنند

» ۸ «

گزارشی میدانی از سرزمین تاجیک ها

ظرفیتی برای توسعه



رحمان قره باش- در راستای توسعه روابط اقتصادی و تجاری استان گلستان با کشورهای آسیای مرکزی، هیأتی متشکل از ۴۲ نفر از مسئولان، مدیران اقتصادی و فعالان بخش خصوصی و تجاری استان به سرپرستی استاندار محترم گلستان، به شهر دوشنبه، پایتخت جمهوری تاجیکستان، سفر کرد. هدف اصلی این سفر، بررسی ظرفیت های اقتصادی، تجاری، سرمایه گذاری و همچنین شناخت میدانی فضای اجتماعی و فرهنگی تاجیکستان بود. آنچه این سفر را از بسیاری از سفرهای تجاری متمایز می کند، وجود اشتراکات عمیق زبانی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی میان ایران و تاجیکستان است. مشاهدات عینی اعضای هیأت نشان داد که این اشتراکات در روابط اجتماعی مردم نیز نمود قابل توجهی دارد.

تاجیکستان؛ کشوری با ظرفیت های اقتصادی قابل توجه و هنوز توسعه نیافته

یکی از مهم ترین برداشت های میدانی از این سفر، وجود فاصله میان ظرفیت های بالقوه تاجیکستان و سطح فعلی فعالیت های اقتصادی آن است. تاجیکستان از نظر منابع طبیعی، کشاورزی، معادن، انرژی، گردشگری،

خدمات و موقعیت منطقه ای دارای ظرفیت های قابل توجهی است؛ اما بخش هایی از این ظرفیت ها هنوز به صورت کامل فعال نشده اند. از این منظر، بازار تاجیکستان را می توان بازاری در حال توسعه، دارای ظرفیت رشد و در برخی حوزه ها نسبتاً بکر ارزیابی کرد. این وضعیت برای سرمایه گذاران و صادرکنندگان ایرانی می تواند یک فرصت محسوب شود؛ مشروط بر اینکه ورود به بازار با مطالعه دقیق، شناخت قوانین و انتخاب شرکای معتبر تاجیکی انجام گیرد.

مزیت بسیار مهم؛ زبان مشترک و پیوندهای فرهنگی

یکی از مهم ترین مزیت های تاجیکستان برای ایران، زبان فارسی است. اشتراک زبانی باعث شده است ارتباط میان مردم دو کشور بسیار آسان تر از بسیاری از بازارهای خارجی باشد. در جریان این سفر، علاقه و احترام مردم تاجیکستان نسبت به ایران و ایرانیان به شکل محسوسی مشاهده شد. این موضوع صرفاً یک مسئله فرهنگی نیست؛ بلکه می تواند به یک مزیت اقتصادی تبدیل شود. زبان مشترک می تواند در زمینه های زیر

ویژگی های اجتماعی مردم تاجیکستان

از دیگر مشاهدات این سفر، برخورد گرم، صمیمی و مهمان نواز مردم تاجیکستان بود. در مقایسه با تجربه ای که بسیاری از فعالان اقتصادی از سفر به برخی کشورهای دیگر دارند، مردم تاجیکستان برخوردی نسبتاً صمیمانه و محترمانه با ایرانیان دارند. این ویژگی اجتماعی می تواند برای توسعه گردشگری، تجارت، سرمایه گذاری و روابط مردمی میان دو کشور بسیار ارزشمند باشد.

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیر اول

قوانین نیاز دارد.

معدنی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

حساسیت گمرک تاجیکستان نسبت به میزان ارز همراه مسافران

یکی از نکات قابل توجهی که شخصاً در این سفر مشاهده کردم، حساسیت و دقت گمرک تاجیکستان هنگام خروج مسافران نسبت به میزان ارز همراه آنان بود. این موضوع از منظر اقتصادی و تجاری قابل توجه است و نشان می‌دهد که کنترل جریان خروج ارز از کشور برای فعالان اقتصادی ایرانی که قصد رفت‌وآمد مکرر به تاجیکستان دارند، شناخت دقیق مقررات مربوط به:

- میزان ارز قابل حمل؛
- اظهار ارز در هنگام ورود و خروج؛
- نحوه اثبات منشأ وجوه؛
- مقررات گمرکی و بانکی؛
- انتقال وجوه تجاری؛ ضروری است.

پیشنهاد می‌شود پیش از اعزام هیأت‌های تجاری بعدی، یک راهنمای جامع مقررات گمرکی، ارزی و بانکی تاجیکستان در اختیار تجار قرار گیرد تا از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری شود.

فرصت‌های اقتصادی مشترک

با توجه به مشاهدات این سفر، حوزه‌های زیر می‌توانند در اولویت همکاری اقتصادی استان گلستان و تاجیکستان قرار گیرند:

کشاورزی و صنایع غذایی

توسعه کشت، فرآوری محصولات کشاورزی، بسته‌بندی، سردخانه، صنایع تبدیلی و انتقال دانش فنی، ساختمان و خدمات فنی و مهندسی شرکت‌های ایرانی تجربه مناسبی در ساخت‌وساز، پروژه‌های عمرانی، تأسیسات و زیرساخت دارند و می‌توانند در پروژه‌های تاجیکستان حضور پیدا کنند.

معدن و صنایع معدنی

تاجیکستان دارای ظرفیت‌های معدنی قابل توجهی است و همکاری در اکتشاف، استخراج، فرآوری و تجهیزات

به نظر می‌رسد وجود پیشینه مشترک تاریخی و فرهنگی، زمینه مناسبی برای ایجاد اعتماد اولیه در روابط اقتصادی فراهم کرده است.

آمادگی تاجیکستان برای جشن سی و پنجمین سال استقلال

یکی از مشاهدات قابل توجه در زمان حضور هیأت ایرانی در دوشنبه، آمادگی گسترده شهر برای برگزاری جشن سی و پنجمین سال استقلال جمهوری تاجیکستان بود. فضای شهری، تبلیغات و آماده‌سازی‌های انجام‌شده نشان می‌داد که این مناسبت از اهمیت ویژه‌ای برای ساختار سیاسی و اجتماعی کشور برخوردار است. این موضوع از منظر اقتصادی نیز قابل توجه است؛ زیرا مناسبت‌های ملی و رویدادهای بزرگ می‌توانند فرصت مناسبی برای توسعه گردشگری، خدمات، تجارت، نمایشگاه‌ها و معرفی ظرفیت‌های اقتصادی کشور باشند.

فضای سیاسی و اجتماعی؛ ضرورت پرهیز از قضاوت قطعی

بر اساس گفت‌وگوها و مشاهدات میدانی اعضای هیأت، به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از مردم نسبت به ثبات سیاسی و عملکرد حکومت دیدگاه نسبتاً مثبتی دارند. با این حال، در کنار این رضایت نسبی، در برخی گفت‌وگوهای غیررسمی نیز نقدهایی نسبت به تمرکز قدرت و نقش پررنگ خانواده امام‌علی رحمان در ساختار سیاسی کشور مطرح می‌شد. لازم است تأکید شود که این بخش از گزارش، صرفاً برداشت و مشاهده میدانی هیأت و اطلاعات غیررسمی است و نمی‌توان بر اساس آن درباره دیدگاه اکثریت جامعه تاجیکستان قضاوت آماری یا قطعی داشت. از منظر فعالان اقتصادی، مهم‌ترین نکته، وجود ثبات نسبی و امکان پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار است؛ زیرا سرمایه‌گذاری بلندمدت بیش از هر چیز به ثبات سیاسی، امنیت اقتصادی و شفافیت

در صورت توسعه زیرساخت‌ها و رفع موانع موجود، می‌توان از این ظرفیت برای ایجاد مسیر منظم تجاری میان گلستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان استفاده کرد. در این چارچوب، تاجیکستان نباید صرفاً مقصد کالاهای گلستان باشد؛ بلکه می‌تواند بخشی از یک شبکه تجاری منطقه‌ای قرار گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سفر هیأت ۴۲ نفره استان گلستان به تاجیکستان نشان داد که این کشور از سه ویژگی مهم برای توسعه روابط با ایران برخوردار است: نخست، اشتراکات عمیق فرهنگی و زبانی؛ دوم، علاقه و نگاه مثبت بخش قابل توجهی از مردم نسبت به ایران؛ سوم، ظرفیت‌های اقتصادی قابل توجهی که هنوز به طور کامل فعال نشده است.

از این منظر، تاجیکستان را نباید صرفاً یک بازار صادراتی کوچک تلقی کرد؛ بلکه می‌توان آن را بازاری برای حضور بلندمدت بخش خصوصی ایران و سکویی برای توسعه روابط اقتصادی با آسیای مرکزی دانست. البته برای استفاده از این فرصت، صرفاً اعزام هیأت‌های تجاری کافی نیست. لازم است سفرهای تجاری به قرارداد، سرمایه‌گذاری مشترک، ایجاد شرکت مشترک، انتقال فناوری و حضور دائمی بخش خصوصی منجر شود.

پیشنهاداتی

تاجیکستان کشوری با اشتراکات عمیق فرهنگی و زبانی با ایران، مردمی گرم و علاقه‌مند به ایران و ظرفیت‌های اقتصادی هنوز فعال‌نشده است. این ویژگی‌ها، در صورت همراه شدن با برنامه‌ریزی دقیق، می‌تواند تاجیکستان را به یکی از بازارهای مهم و قابل اتکای بخش خصوصی ایران در آسیای مرکزی تبدیل کند. به نظر می‌رسد بهترین راهبرد برای استان گلستان این باشد که پس از این سفر، ارتباط با طرف تاجیکی حفظ و یک برنامه عملیاتی یک‌ساله تدوین شود.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و عضو گروه اعزامی به کشور تاجیکستان

۱۸۶ هکتار از اراضی گلستان تغییر کاربردی یافت

هفته گذشته توضیح داد: هفته گذشته ۱۴۱ پروژه ارتباطی با اعتبار هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان در استان به بهره‌برداری رسید و برنامه افتتاح و کلنگ‌زنی پروژه‌ها محدود به هفته دولت نیست بلکه در تمام ایام سال و مناسبت‌های مختلف برای خدمت‌رسانی به مردم در میدان هستیم. استاندار گلستان همچنین از ساخت سه هزار و ۲۶۶ واحد مسکن روستایی از دهه فجر سال ۱۴۰۴ تا هفته دولت امسال خبر داد و گفت: در همین مدت ۱۲۸ روستای استان با اعتبار ۲۶۰ میلیارد تومان آسفالت شده است. طهماسبی ادامه داد: از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم تاکنون، بیش از ۴۰۰ روستای گلستان آسفالت و بهسازی شده و طرح هادی نیز در این روستاها اجرا شده است. وی با اشاره به اجرای طرح جوانی جمعیت در استان بیان کرد: تاکنون ۵۵۵ قطعه زمین به صورت رایگان در قالب طرح جوانی جمعیت به متقاضیان واگذار شده است. استاندار گلستان همچنین از توسعه ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر در گلستان خبر داد و یادآور شد: تا پایان امسال، ۲۱۲ مگاوات انرژی خورشیدی در استان وارد مدار خواهد شد که گام مهمی در مسیر توسعه انرژی‌های پاک و تامین پایدار برق است.



کشور با جنگ، تحریم و فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های مختلف مواجه است، اما با وجود این شرایط، حتی یک روز نیز روند توسعه و سازندگی متوقف نشد. استاندار گلستان با اشاره به افتتاح پروژه‌های حوزه ارتباطات در

استاندار گلستان گفت: با رفع ممنوعیت ساخت‌وساز در بخشی از اراضی حاصلخیز استان و شناسایی ۴۸۵ هکتار زمین طی ۲ سال گذشته، ۱۸۶ هکتار از این اراضی برای اجرای طرح‌های مسکن، نهضت ملی مسکن، جوانی جمعیت و تامین مسکن ایناگران تغییر کاربری یافت. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی اظهار کرد: طی دو سال گذشته ساخت ۲ هزار واحد مسکونی در استان آغاز شده که بیش از هزار واحد آن به بهره‌برداری رسیده و با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، روند تامین زمین و اجرای طرح‌های مسکن با جدیت ادامه دارد. وی افزود: در سفر سال گذشته دکتر قالیباف رییس مجلس، موضوع ممنوعیت ساخت‌وساز در اراضی حاصلخیز استان مطرح و با پیگیری و همت مجموعه راه و شهرسازی، کمیته امداد و دیگر مسئولان، این مشکل برطرف شد. استاندار گلستان تأکید کرد: طی دو سال گذشته ۴۸۵ هکتار زمین برای اجرای طرح‌های مسکن از جمله نهضت ملی مسکن، جوانی جمعیت و مسکن ایناگران شناسایی شده که از این میزان، ۱۸۶ هکتار تغییر کاربری داده شده است. طهماسبی با اشاره به برنامه‌های هفته دولت در گلستان گفت: در هفته دولت



مسئولیت مدیر فقط افتتاح پروژه نیست

مردم نتیجه می‌خواهند، نه فقط خبر



بهرام جرجانی

در مدیریت دولتی، تعداد جلسات، بازدیدها، وعده‌ها و حتی افتتاح پروژه‌ها، به‌تنهایی معیار موفقیت یک مدیر نیست. معیار واقعی، مسئله‌ای است که برای مردم حل شده و نتیجه‌ای است که بتوان آن را با عدد و سند اندازه گرفت. این روزها در گلستان، مانند هر سال، فهرست قابل توجهی از پروژه‌ها برای افتتاح و بهره‌برداری اعلام می‌شود. اصل اجرای پروژه و توسعه زیرساخت، بدون تردید اتفاقی مثبت است؛ اما یک پرسش اساسی همچنان باقی است: این پروژه‌ها دقیقاً چه مشکلی از زندگی مردم حل کرده‌اند؟ اگر پروژه‌ای برای آب، برق، راه، فاضلاب یا اشتغال اجرا شده، باید بتوانیم اثر واقعی آن را اندازه بگیریم؛ کاهش قطعی، کاهش زمان سفر، افزایش ظرفیت خدمات، ایجاد اشتغال پایدار یا هر شاخص دیگری که هدف پروژه بوده است. اینجاست که باید میان «فعالیت» و «عملکرد» تفاوت گذاشت. جلسه، بازدید، مکاتبه و افتتاح پروژه، فعالیت است؛ اما عملکرد زمانی شکل می‌گیرد که نتیجه آن فعالیت در زندگی مردم قابل مشاهده باشد. ممکن است مدیری ده‌ها جلسه برگزار و پروژه‌های متعددی افتتاح کند، اما یک مشکل اساسی همچنان پابرجا بماند. در مقابل، مدیری ممکن است کمتر در رسانه‌ها دیده شود، اما یک مسئله قدیمی را به‌صورت واقعی

حل کند. پس شاید تعریف ما از «کارنامه مدیر» نیز نیازمند اصلاح باشد. کارنامه مدیر را نباید با تعداد خبرهایی که از او منتشر شده سنجید؛ باید با تعداد مسئله‌هایی سنجید که پس از مدیریت او دیگر وجود ندارند. این نگاه، ضدمدیریت یا ضدپروژه نیست؛ اتفاقاً دفاع از مدیریت کارآمد است. مدیری که بتواند با عدد، سند و شاخص نشان دهد چه مسئله‌ای را تحویل گرفته و چه میزان از آن را حل کرده، نیازی به تبلیغ گسترده ندارد. نتیجه عملکرد او بهترین معرفی‌نامه اوست. از سوی دیگر، منابع عمومی متعلق به مردم است و شهروندان حق دارند بدانند اعتبارات چگونه هزینه شده و نتیجه آن چه بوده است. بنابراین مطالبه گزارش عملکرد، نه بی‌اعتمادی به مدیران، بلکه بخشی از پاسخگویی و حکمرانی مطلوب است. شاید وقت آن رسیده باشد که در ارزیابی مدیران، سؤال اصلی را تغییر دهیم.

نه فقط:

«چه کارهایی انجام داده‌اید؟»

بلکه:

«چه مسئله‌ای را حل کرده‌اید و نتیجه آن را با چه عدد و سندی می‌توانید به مردم نشان دهید؟» اگر این تغییر نگاه جدی گرفته شود، افتتاح پروژه پایان کار نخواهد بود؛ بلکه آغاز مرحله‌ای خواهد



کارشناس حقوق

۱۰ هزار بسته مایحتاج تحصیلی توزیع شد

دانش‌آموزان نیازمند گفت: معلمان در کشور از بزرگترین حامیان طرح اکرام ایام و محسنین هستند و در گلستان نیز حدود ۱۴ هزار معلم در قالب این طرح، حمایت از فرزندان نیازمند را برعهده دارند. وی با قدردانی از اقدام کمیته امداد برای تامین و توزیع بسته‌های مایحتاج تحصیلی افزود: این بسته‌ها برای ۲۲ هزار دانش‌آموز تحت پوشش کمیته امداد در نظر گرفته شده و تامین به‌موقع لوازم‌التحریر و نیازهای آموزشی می‌تواند بخشی از دغدغه خانواده‌های کم‌برخوردار را در آستانه سال تحصیلی کاهش دهد. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان با تاکید بر ضرورت همکاری دستگاه‌های مختلف برای مقابله با ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل یادآور شد: سال گذشته با همکاری دستگاه قضایی، زمینه بازگشت حدود ۲ هزار و ۸۵۰ دانش‌آموز گلستانی که در سن آموزش قرار داشتند اما از تحصیل بازمانده بودند، به مدرسه فراهم شد. نظری افزود: رویکرد آموزش و پرورش در سال تحصیلی جدید، علاوه بر بازگرداندن دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، پیشگیری و کاهش ترک تحصیل است و در این مسیر نیازمند استمرار همکاری و هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی، فرهنگی و اجتماعی هستیم. وی با اشاره به ظرفیت فرهنگیان و مجموعه آموزش و پرورش برای حمایت از دانش‌آموزان نیازمند گفت: در گلستان حدود ۴۵۰ هزار دانش‌آموز و ۲۵ هزار معلم فعالیت دارند و همراهی این جامعه بزرگ می‌تواند در تحقق عدالت آموزشی و فراهم کردن فرصت برابر تحصیل برای همه دانش‌آموزان موثر باشد.



تحقق این هدف نیازمند تداوم مشارکت مردم و خیران است و امیدواریم با هم‌افزایی ایجادشده بتوانیم حمایت موثرتری از دانش‌آموزان نیازمند داشته باشیم. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان نیز در این مراسم اظهار کرد: حدود یک میلیون دانش‌آموز در کشور زیر پوشش حمایتی کمیته امداد قرار دارند و در استان گلستان نیز ۲۲ هزار دانش‌آموز از حمایت‌های این نهاد بهره‌مند هستند. قدرت‌الله نظری با اشاره به نقش فرهنگیان در حمایت از

مدیرکل کمیته امداد امام خمینی (ره) گلستان از توزیع مرحله نخست ۱۰ هزار بسته مایحتاج تحصیلی میان دانش‌آموزان نیازمند استان خبر داد و گفت: این اقدام با هدف حمایت از دانش‌آموزان نیازمند و کمک به کاهش ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در گلستان انجام شده است. به گزارش روابط عمومی، عیسی بابایی در مراسم توزیع مرحله نخست ۱۰ هزار بسته مایحتاج تحصیلی به نیت شهدای مدرسه شجره طیبه میناب با حضور قائم مقام کمیته امداد گلستان اظهار کرد: بر اساس دستور رییس کمیته امداد امام خمینی (ره)، امسال باید تامین و توزیع لوازم تحریر و مایحتاج تحصیلی دانش‌آموزان نیازمند پیش از آغاز سال تحصیلی و تا پیش از مهرماه انجام شود. وی افزود: ۵۰ درصد هزینه تامین این بسته‌ها با حمایت و مشارکت رییس کمیته امداد و ۵۰ درصد دیگر از محل منابع و کمک‌های مردمی تامین می‌شود که این رویکرد زمینه مشارکت بیشتر خیران و مردم در حمایت از دانش‌آموزان نیازمند را فراهم کرده است. مدیرکل کمیته امداد گلستان ادامه داد: تامین لوازم‌التحریر دانش‌آموزان از جمله مواردی است که با جدیت دنبال می‌شود و در استان نیز با همکاری آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های مرتبط، هم‌افزایی مناسبی برای کاهش ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل شکل گرفته است. بابایی با اشاره به اهمیت حمایت از دانش‌آموزان نیازمند گفت: نرسیدن مایحتاج تحصیلی به دانش‌آموزان می‌تواند بر روند تحصیل و انگیزه آنان اثرگذار باشد و تلاش ما این است که با تامین به‌موقع این نیازها، هیچ دانش‌آموز نیازمندی

به دلیل مشکلات اقتصادی از تحصیل بازمانند. وی با قدردانی از حمایت خیران، دستگاه‌های اجرایی، آموزش و پرورش و بسیج استان بیان کرد: با همراهی مجموعه‌های مختلف، مرحله نخست توزیع ۱۰ هزار بسته مایحتاج تحصیلی انجام شد و تلاش می‌کنیم پیش از آغاز سال تحصیلی، مرحله دوم شامل ۱۰ هزار بسته دیگر نیز تامین، خریداری و میان دانش‌آموزان نیازمند استان توزیع شود. مدیرکل کمیته امداد گلستان تاکید کرد:

که از این تعداد، ۲ هزار و ۱۷۴ مورد مربوط به خرید مسکن و چهار هزار و ۹۲ مورد نیز مربوط به تعمیرات مسکن مددجویان بوده که برای اجرای این اقدامات در مجموع ۳۲۸ میلیارد تومان اعتبار هزینه شده است. وی همچنین گفت: همچنین از هشت هزار و ۶۴ مورد فعالیت در حوزه مسکن مددجویان، هزار و ۷۹۸ مورد از اقدامات مربوط به احداث فضاهای جانبی موردنیاز منازل مددجویان، از جمله حمام و سرویس بهداشتی اختصاص داشته است. مدیرکل کمیته امداد گلستان تاکید کرد: تامین مسکن مناسب برای خانواده‌های تحت حمایت یکی از محورهای مهم خدمات کمیته امداد است و این نهاد تلاش می‌کند با استفاده از ظرفیت‌های دولتی، تسهیلات بانکی و مشارکت دستگاه‌های اجرایی و خیران، بخشی از نیازهای اساسی مددجویان در این حوزه را برطرف کند.

گرگان به بهره‌برداری رسید. به گزارش ایرنا، برای ساخت ۲۰۰ واحد مسکن مددجویی که به بهره‌برداری رسید در مجموع ۱۶۰ میلیارد تومان اعتبار هزینه شده است. مدیرکل کمیته امداد گلستان گفت: در تامین منابع مالی این واحدها، ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات قرض‌الحسنه بنیاد مسکن، ۲۰۰ میلیون تومان تسهیلات و ۲۰۰ میلیون تومان کمک بلاعوض از سوی کمیته امداد در نظر گرفته شده است. عیسی بابایی با اشاره به حمایت‌های انجام‌شده برای تامین مسکن خانواده‌های تحت پوشش گفت: علاوه بر تسهیلات و کمک‌های مالی اختصاص‌یافته، امتیاز انشعابات آب، برق و گاز این واحدها نیز به صورت رایگان در اختیار مددجویان قرار گرفته است. بابایی ادامه داد: از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم تاکنون در مجموع ۸ هزار و ۶۴ مورد فعالیت در حوزه مسکن مددجویان توسط کمیته امداد گلستان انجام شده

۲۰۰ واحد مسکن مددجویی به بهره‌برداری رسید

هم‌زمان با هفته دولت ۲۰۰ واحد مسکن مددجویی کمیته امداد امام خمینی (ره) گلستان با حضور قائم مقام کمیته امداد به‌صورت متمرکز در روستای کریم‌آباد



اعتبارات عمرانی گلستان ۳.۵ برابر افزایش یافت

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان از اهتمام ویژه دولت وفاق به عمران و آبادانی کشور و این استان شمالی خبر داد و تصریح کرد: اعتبار عمرانی ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی هفته دولت امسال گلستان در مقایسه با سال قبل ۳.۵ برابر افزایش یافته است. به گزارش روابط عمومی، محمد حمیدی افزود: اختصاص ۳۰ همت اعتبار عمرانی از منابع عمومی کشور به گلستان که ۲۳ همت آن افتتاح پروژه بوده و هفت همت دیگر هم آغاز عملیات اجرایی است، توجه ویژه دولت دکتر پزشکیان را به تکمیل زیرساخت‌ها در این استان نشان می‌دهد. وی با اشاره به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پروژه‌های اقتصادی و اشتغالزای هفته دولت امسال در گلستان هم گفت: در این حوزه ۲۲۰ هزار میلیارد ریال معادل (۲۲ همت) سرمایه‌گذاری شده که ۱۸ همت آن افتتاحی و چهار همت هم آغاز عملیات اجرایی است. حمیدی اضافه کرد: این حجم سرمایه‌گذاری در حوزه طرح‌های اقتصادی در گلستان هم در مقایسه با هفته دولت سال قبل ۳۴۵ درصد رشد داشته است. وی با قدردانی از پیگیری‌های استاندار، مدیران ادارات کل اجرایی گلستان و نمایندگان مردم این استان در مجلس شورای اسلامی جهت جذب اعتبارات ملی برای پروژه‌های عمرانی، ادامه داد: از مجموع ۳۰ همت اعتبارات عمرانی پروژه‌های هفته دولت امسال گلستان، ۳.۶ همت آن در گنبدکاووس بوده است. معاون سیاسی استاندار گلستان همچنین باتاکید بر ضرورت اطلاع رسانی و تبیین اقدامات انجام شده عمرانی و اقتصادی در این استان توسط مدیران دستگاه‌های اجرایی، گفت: تخصیص این میزان اعتبار به گلستان و اعتبارات مشابه به دیگر استان‌ها در حالی صورت می‌گیرد که کشور در شرایط جنگی قرار دارد. وی همچنین با اشاره به برخی عقب ماندگی‌های زیرساختی در گنبدکاووس در بخش‌های گوناگون، اضافه کرد: برای توسعه این شهرستان باید اقدامات اساسی در چند بخش از جمله تکمیل پروژه آب‌رسانی به روستاهای مناطق مرزی، توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای و ریلی از جمله جاده ترانزیتی موسوم به نفت و راه آهن اینکه برون شاهرود و نیز تکمیل زیرساخت‌های برق این شهرستان صورت گیرد. حمیدی ادامه داد: در هر سه بخش اشاره شده (آب، جاده و برق) و با تخصیص اعتبارات مناسب از منابع ملی و صدور مجوز مولدسازی اقدامات خوبی در گنبدکاووس در دست اجراست. وی، مولدسازی و فروش اراضی مازاد حوزه راه و شهرسازی را فرصت کم نظیر برای گنبدکاووس جهت تامین منابع مالی تکمیل پروژه‌ها از جمله آب‌رسانی به روستاهای نوار مرزی و تکمیل جاده‌های ارتباطی این شهرستان دانست و بر تحقق آن تاکید کرد.

درباره یک رمان



حسین موقانی

اشاره

رمانها همیشه وضعیت جوامع را بهتر از کتب تاریخی به تصویر میکشند! این جمله ای است که من در طی مطالعات زیاد به آن رسیده ام. این به تصویر درامدن، مخصوصا در زمانهایی که جوامع درگیر جنگ هستند به خوبی مشهود است رمانهایی مانند "جنگ و صلح" و یا "دکتر ژیاگو" و یا شاهکار قرن یعنی رمان "بینوایان" از این جمله اند. رمانی که در این نوشتار به آن پرداخته میشود "جاده ای باریک در دل شمال" است که در ادامه به آن پرداخته میشود و از دل این رمان سوالاتی برای بنده ایجاد شده است که جوابهایی با استفاده از منابع اینترنتی و مطالعات تاریخی به آنها داده میشود که میتواند خیلی درس آموز باشد.

نام کتاب: جاده ای باریک در دل شمال (نقش ژاپن در جنگ جهانی!)

نویسنده: ریچارد فلناگان

مترجم: فرانک سالاری

انتشارات: نشر البرز

رمان در مورد زحمات و دردرس های گروهی نوشته شده است که در زمان جنگ جهانی و در محدوده کشورهای مالزی -اندونزی- برمه و ... برای ساختن راه آهنی در حال تلاش هستند که به امر امپراطور ژاپن در هر صورتی باید احداث میشد تا به نیروهای متحدین در جبهه ها کمک برساند و شاید مشابه ساخت راه آهنی بود که به دستور رضاشاه از جنوب تا شمال ایران احداث گردید. بهمین خاطر سوالات زیر به ذهن من رسید که امید است اساتید گرامی مطلع در این زمینه به سوالات پاسخ در خور بدهند:

۱- دلیل و یا دلایل پیوستن ژاپن به متحدین در جنگ جهانی کدامند؟

۲- چه شرایطی ایجاد شد که متحدین تسلیم متفقین شدند؟ آیا بمباران اتمی ژاپن دلیل اصلی این تسلیم بود و یا دلایل دیگری هم دخالت داشت؟ البته شاید دقیق هم نتوان پاسخ سوال را داد مانند ایجاد شرایط قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط امام خمینی کبیر و نوشیدن جام زهر توسط ایشان که کماکان محل بحث و جدل هست!.

۳- ضمن محکوم کردن بمباران اتمی هیروشیما و شهرهای ژاپن، آیا اگر متحدین (آلمان نازی به رهبری هیتلر، ایتالیای فاشیست به رهبری موسولینی، اسپانیای انارشیست به رهبری فرانکو و ژاپن دیکتاتوری به رهبری امپراطور) در جنگ جهانی پیروز شده و بر دنیا مسلط می شدند چهره امروز دنیا به نظر تان چگونه میبود؟ تفاوت آن دنیای زیر سلطه متحدین با دنیای امروزه چگونه می بود؟

پرسش‌هایی که در پی مطالعه رمان «جاده‌ای باریک در دل شمال» اثر ریچارد فلاناگان مطرح شده اند، از آن دسته پرسش‌هایی است که اگر صرفاً در چارچوب تاریخ نظامی جنگ جهانی دوم به آن‌ها پاسخ داده شود، بخش مهمی از حقیقت تاریخی نادیده خواهد ماند؛ زیرا ورود ژاپن به جنگ، شکل‌گیری محور، شکست قدرت‌های محور و سرانجام تسلیم ژاپن، حاصل مجموعه‌ای از تحولات سیاسی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیک و نظامی بود که باید در یک زنجیره تاریخی به یکدیگر پیوند داده شوند.

۱ - چرا ژاپن به جبهه متحدین یا «محور» پیوست؟

نخست باید یک اصلاح اصطلاحی کوچک اما مهم انجام شود. در ادبیات فارسی گاهی آلمان، ایتالیا و ژاپن را «متحدین» می‌نامیم، در حالی که در جنگ جهانی دوم، اصطلاح دقیق‌تر برای این سه قدرت، دول محور یا Axis Powers است؛

در برابر «متفقین» یا Allied Powers

ژاپن اساساً با همان انگیزه‌هایی وارد جنگ نشد که آلمان هیتلری وارد آن شده بود. البته میان ایدئولوژی‌های حاکم بر این کشورها اشتراکاتی وجود داشت، اما منافع ژئوپلیتیکی ژاپن تا اندازه زیادی مستقل و آسیامحور بود. ژاپن از اواخر قرن نوزدهم، پس از اصلاحات میجی، با سرعتی شگفت‌آور از یک کشور عمدتاً سنتی به یک قدرت صنعتی و نظامی تبدیل شد. پیروزی ژاپن بر چین در جنگ ۱۸۹۴-۱۸۹۵ و سپس شکست روسیه در جنگ ۱۹۰۴-۱۹۰۵، جایگاه ژاپن را در نظام بین‌الملل دگرگون کرد. ژاپن دیگر خود را یک قدرت درجه دوم آسیایی نمی‌دانست؛ بلکه تصور می‌کرد باید به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل شود.

مشکل اساسی این بود که ژاپن برای ادامه صنعتی‌شدن خود به منابعی نیاز داشت که در داخل سرزمینش به اندازه کافی وجود نداشت: نفت، زغال‌سنگ، آهن، لاستیک و بسیاری از مواد خام دیگر، از همین‌جا مفهوم «حوزه رفاه مشترک آسیای شرقی بزرگ» مطرح شد...

مفهومی که در تبلیغات رسمی ژاپن با شعار «آسیا برای آسیایی‌ها» عرضه می‌شد، اما در عمل به ایجاد یک امپراتوری ژاپنی در شرق و جنوب شرق آسیا انجامید. اشغال منچوری در سال ۱۹۳۱ و ایجاد دولت دست‌نشانده منچوکوئو، آغاز مرحله‌ای بسیار مهم بود و سپس جنگ تمام‌عیار با چین در سال ۱۹۳۷ آغاز شد.

اما نقطه عطف بعدی، برخورد ژاپن با ایالات متحده و قدرت‌های غربی بود.

ژاپن به منابع نفتی جنوب شرق آسیا، خصوصاً هند شرقی هلند، نیاز داشت. ایالات متحده در واکنش به توسعه‌طلبی ژاپن، محدودیت‌های اقتصادی و در نهایت تحریم نفتی اعمال کرد و برای رهبری نظامی ژاپن، مسئله به یک معادله بسیار دشوار تبدیل شد اگر جنگ را متوقف کنیم، ماشین جنگی و صنعتی ما به‌تدریج از کار می‌افتد؛ اگر جنگ را ادامه دهیم، با تحریم و محاصره اقتصادی مواجه خواهیم بود.

در چنین شرایطی، بخشی از رهبران ژاپن به این نتیجه رسیدند که باید پیش از آنکه ذخایر نفت و مواد اولیه‌شان تمام شود، ضربه‌ای تعیین‌کننده به آمریکا وارد کنند. حمله به پرل هاربر در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ از همین محاسبه ناشی شد...

اما یک نکته تاریخی بسیار مهم وجود دارد: ژاپن تصور نمی‌کرد بتواند ایالات متحده را در یک جنگ طولانی شکست دهد.

استراتژی ژاپن این بود که با وارد کردن یک ضربه بسیار سنگین به ناوگان آمریکا در اقیانوس آرام، فرصت لازم را برای تصرف منابع جنوب شرق آسیا به دست آورد و سپس با ایجاد یک منطقه دفاعی عظیم، آمریکا را وادار کند برای صلح مذاکره کند. این محاسبه در نهایت اشتباه از آب درآمد. ژاپن قدرت اقتصادی و صنعتی آمریکا را به‌درستی برآورد نکرده بود. به تعبیر تاریخی، ژاپن ممکن بود نبرد را بربرد، اما توان پیروزی در جنگ را نداشت.

۲ - آیا بمباران اتمی علت اصلی تسلیم ژاپن بود؟

پاسخ دقیق تاریخی این است که بمباران اتمی به‌تنهایی علت تسلیم ژاپن نبود

تسلیم ژاپن محصول هم‌زمان چند عامل بود و یکی از مهم‌ترین بحث‌های تاریخ جنگ جهانی دوم نیز دقیقاً همین است

در تابستان ۱۹۴۵ ژاپن در موقعیتی بسیار دشوار قرار گرفته بود، نیروی دریایی آن عملاً توانایی ادامه یک جنگ متعارف طولانی را نداشت، بسیاری از شهرهای بزرگ آن توسط بمباران‌های هوایی ویران شده بودند، اقتصاد کشور فروپاشیده بود و محاصره دریایی نیز فشار شدیدی بر مردم وارد می‌کرد.

در چنین شرایطی، آمریکا در ۶ اوت ۱۹۴۵ بمب اتمی را بر هیروشیما انداخت و سه روز بعد، در ۹ اوت، بمب دوم بر ناگازاکی فرود آمد.

اما درست در همین فاصله، یک اتفاق بسیار مهم دیگر رخ داد که گاهی در روایت‌های عمومی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و اتحاد شوروی در ۸ اوت ۱۹۴۵ به ژاپن اعلان جنگ کرد و ارتش سرخ به منچوری حمله کرد که این تحول برای رهبران ژاپن اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت.

ژاپن تا آن زمان هنوز امیدوار بود شاید شوروی بتواند در مذاکرات میانجی‌گری کند و شرایطی برای پایان جنگ فراهم آورد. با ورود شوروی به جنگ، این امید از بین رفت و بنابراین رهبران ژاپن ناگهان با دو واقعیت روبه‌رو شدند.

از یک سو، آمریکا نشان داده بود که سلاحی با قدرت ویرانگر ناشناخته در اختیار دارد؛

و از سوی دیگر، شوروی وارد جنگ شده و آخرین امید ژاپن برای استفاده از مسکو به عنوان واسطه سیاسی نیز از بین رفته بود به همین دلیل، در میان مورخان دو دیدگاه عمده وجود دارد:

دیدگاه نخست تأکید بیشتری بر بمباران اتمی دارد و آن را عامل تعیین‌کننده‌ای در تسلیم ژاپن می‌داند.

دیدگاه دوم تأکید می‌کند که ورود شوروی به جنگ نیز به همان اندازه یا حتی در برخی تفاسیر بیشتر اهمیت داشت؛ زیرا ژاپن را از امکان یک توافق سیاسی و استراتژی دیپلماتیک محروم کرد.

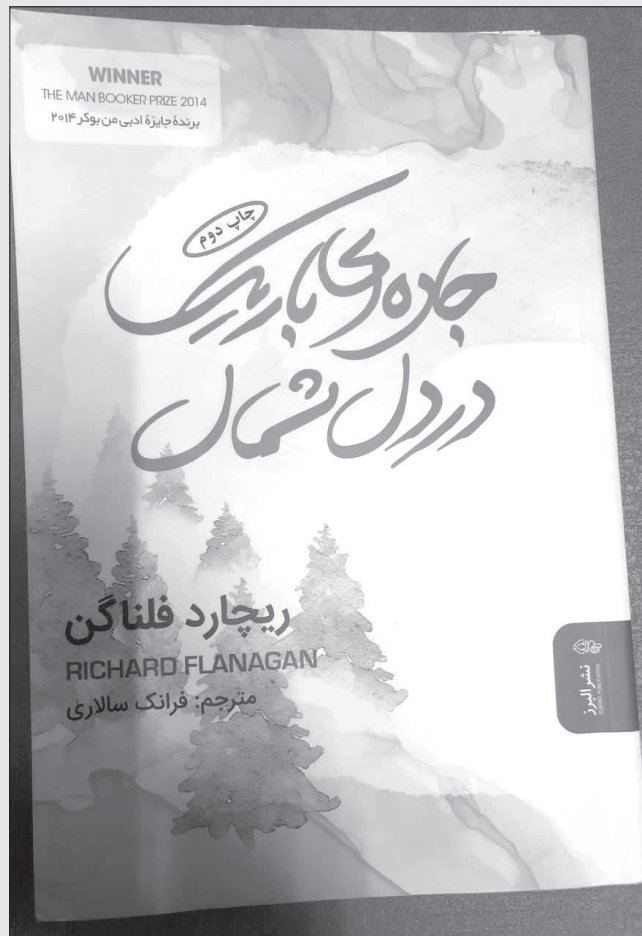
احتمالاً روایت تاریخی واقع‌بینانه‌تر آن است که این دو عامل را در کنار فروپاشی نظامی و اقتصادی ژاپن ببینیم



نونواری جاده‌ها با ۴۵ هزار میلیارد ریال



مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان از افتتاح یا آغاز عملیات اجرایی ۱۴۹ پروژه عمرانی درحوزه جاده‌های ارتباطی این استان در هفته دولت امسال خبر داد و بیان کرد: اعتبار این پروژه‌ها در مجموع ۴۵ هزار میلیارد ریال (۴۵۰ همت) است. به گزارش روابط عمومی، عادل مصدقی در مراسم افتتاح ۲۹ پروژه حوزه راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گنبدکاووس گفت: اختصاص این میزان اعتبار توسط دولت که بخش اعظم آن نیز از منابع ملی و در شرایط جنگ بوده، اقدامی کم سابقه و قابل تقدیر است. وی افزود: اعتبارات تخصیص یافته حوزه راهداری گلستان صرفاً حداقل دهه فجر پارسال تا هفته دولت امسال و معادل ۱۷ درصد کل پروژه‌های هفته دولت استان گلستان است، بیشتر صرف زیرسازی و آسفالت معابر اصلی و فرعی (روستایی)، اصلاح هندسی و خرید ماشین آلات شده است. مصدقی اضافه کرد: از ۱۴۹ پروژه راهداری گلستان در هفته دولت امسال، ۲۹ پروژه با اعتبار ۸۶۴ میلیارد تومان سهم شهرستان مرزی گنبدکاووس است. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان همچنین گفت: بهسازی و روکش آسفالت جاده گنبدکاووس به کلاسه بطول ۱۰ کیلومتر با اعتبار ۵۰ میلیارد تومان، تعریض جاده اسبدوانی بطول سه کیلومتر با اعتبار ۱۹ میلیارد تومان و خرید ۲ دستگاه ماشین آلات سنگین راهداری (لودر و گریدر) با ۷۰ میلیارد تومان از جمله پروژه‌های شاخص این شهرستان در هفته دولت است. وی افزود: پروژه بزرگ احداث پل «بایلر» گنبدکاووس هم از دیگر اقدامات زیرساختی دولت در این شهرستان است که در مراحل نهایی عملیات اجرایی قرار دارد و به زودی افتتاح خواهد شد. مصدقی اضافه کرد: مجموعه اقدامات دولت وفاق در ۲ سال گذشته و در حوزه راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان نشان داد که برغم شرایط خاص کشور اما دولت به معنای واقعی کلمه پای کار مردم است.



به تدریج به موضوع حقوق بین‌الملل تبدیل شد اگر محور پیروز می‌شد، احتمالاً این روند یا اصلاً ایجاد نمی‌شد یا دست‌کم به شکل کاملاً متفاوتی شکل می‌گرفت. و در نهایت، درباره بمباران اتمی و محکومیت اخلاقی رنج انسانی ناشی از هیروشیما و ناگازاکی کاملاً قابل درک است؛ اما برای مورخ، مسئله فقط محکوم کردن یا دفاع کردن نیست.

باید پرسید:

آیا استفاده از بمب اتم از نظر نظامی ضروری بود؟
آیا می‌توانست جنگ بدون استفاده از آن پایان یابد؟
آیا هدف، جلوگیری از تلفات بیشتر ناشی از حمله زمینی به ژاپن بود؟
آیا نمایش قدرت آمریکا در برابر شوروی نیز یکی از محاسبات سیاسی تصمیم‌گیرندگان آمریکایی بود؟
و آیا ورود شوروی به جنگ، در تصمیم نهایی ژاپن نقشی به اندازه بمباران اتمی داشت؟

این پرسش‌ها هنوز محل بحث تاریخی‌اند و پاسخ قطعی و یکسانی برای همه آنها وجود ندارد.

اما شاید مهم‌ترین درس تاریخ جنگ جهانی دوم این باشد که هیچ جنگی با یک علت آغاز نمی‌شود و با یک علت نیز پایان نمی‌یابد، زنجیره‌ای از تصمیم‌ها، ترس‌ها، اشتباهات محاسباتی، بلندپروازی‌ها، منافع اقتصادی، ایدئولوژی‌ها و واکنش‌های متقابل، سرانجام جهان را به نقطه‌ای می‌رسانند که دیگر بازگشت از آن بسیار دشوار است، از این منظر، مطالعه «جاده‌ای باریک در دل شمال» را می‌توان فراتر از یک رمان درباره راه‌آهن و اسیران جنگی دید، این کتاب پنجره‌ای است به یکی از تاریک‌ترین پرسش‌های تاریخ معاصر: آیا تمدن و تکنولوژی، الزاماً انسان را اخلاقی‌تر می‌کنند؟
ژاپن پیش از جنگ، یکی از مدرن‌ترین کشورهای آسیا بود؛ دارای دانشگاه، صنعت، ارتش مدرن، راه‌آهن، فناوری و ساختار اداری پیشرفته، آلمان نیز یکی از مراکز بزرگ علم، فلسفه، صنعت و فرهنگ اروپا بود.
اما همین جوامع پیشرفته توانستند در فاصله‌ای کوتاه وارد یکی از عظیم‌ترین فجایع انسانی تاریخ شوند.

شاید بنابراین، مهم‌ترین درس جنگ جهانی دوم نه صرفاً درباره آلمان، ژاپن یا آمریکا باشد؛ بلکه درباره خود انسان مدرن باشد اینکه تمدن بدون اخلاق، علم بدون مسئولیت، قدرت بدون محدودیت و فناوری بدون انسانیت، می‌تواند به جای آنکه وسیله‌رهایی انسان باشد، به ابزار نابودی او تبدیل شود و شاید به همین دلیل است که هنوز پس از گذشت بیش از هشتاد سال، هیروشیما، ناگازاکی، آشویتس، جاده راه‌آهن برمه و راه آهن جنب - شمال ایران میلیون‌ها قربانی جنگ جهانی دوم همچنان برای مورخان زنده‌اند؛ زیرا تاریخ در این موارد صرفاً گذشته نیست، هشدار است که هنوز به آینده مربوط می‌شود.

به امید برقراری صلح جهانی! که به نظر میرسد دست نیافتنی است!

عضو هیات علمی دانشگاه گلستان

به بیان دیگر، نباید تاریخ را به یک علت تقلیل داد.

ژاپن در سال ۱۹۴۵ در شرایطی قرار گرفته بود که مجموعه‌ای از ضربات پی‌درپی، امکان ادامه جنگ را از آن گرفته بود شاید مشابه زمانی بود که در جنگ تحمیلی صدام و در سال ۱۳۶۷ شرایطی ایجاد شد تا امام خمینی جام زهر را نوشیده و ایران اسلامی قطعنامه ۵۹۸ را (علیرغم شعارهای انچنانی!) بپذیرد و این نوع تصمیم‌گیریها از منظر تاریخی قابل تأمل است که سالیان سال می‌تواند مورد تحقیق و تدقیق و بحث و بررسی و جدل قرار گیرد چنانچه تا کنون نیز در اینگونه موارد بهمین شکل عمل شده است. در هر دو مورد، اگرچه شرایط، بازیگران و ماهیت جنگ کاملاً متفاوت است، اما یک وجه مشترک وجود دارد: تصمیم نهایی را نمی‌توان بدون مطالعه مجموعه فشارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی درک کرد، در تاریخ، تصمیم‌های بزرگ معمولاً در خلأ گرفته نمی‌شوند و آنچه در ظاهر یک «تصمیم ناگهانی» به نظر می‌رسد، غالباً محصول سال‌ها انباشته شدن فشارهاست!

۳- اگر محور پیروز می‌شد، جهان امروز چگونه بود؟

این پرسش شاید از دو پرسش قبلی دشوارتر باشد؛ زیرا از حوزه تاریخ وارد قلمرو تاریخ بدیل می‌شویم. هیچ‌کس نمی‌تواند با قطعیت بگوید اگر آلمان، ایتالیا و ژاپن پیروز می‌شدند، جهان امروز دقیقاً چگونه بود.

اما می‌توان بر اساس اهداف اعلام‌شده، ساختارهای سیاسی و رفتار واقعی این دولت‌ها در سرزمین‌های تحت اشغال، تصویری احتمالی ترسیم کرد، در وهله نخست، باید توجه داشت که «پیروزی محور» الزاماً به معنای ایجاد یک امپراتوری واحد جهانی تحت فرمان هیتلر نبود.

احتمالاً جهان به چند حوزه عظیم قدرت تقسیم می‌شد:

اروپای تحت سلطه آلمان، حوزه مدیترانه و بخش‌هایی از آفریقا تحت نفوذ ایتالیا و اروپای جنوبی، و شرق و جنوب شرق آسیا و اقیانوس آرام تحت سلطه ژاپن، اما این جهان الزاماً جهانی آرام و متحد نیز نمی‌بود.

اتفاقاً احتمال دارد پس از شکست متفقین، میان خود قدرت‌های محور نیز رقابت بر سر قلمرو، منابع و نفوذ آغاز می‌شد
آلمان نازی طرحی بسیار گسترده برای دگرگون کردن ساختار جمعیتی و سیاسی اروپای شرقی داشت.

در ایدئولوژی نازی، انسان‌ها دارای ارزش برابر نبودند و نظامی مبتنی بر سلسله مراتب نژادی تعریف شده بود

بنابراین اگر آلمان پیروز می‌شد، احتمالاً بسیاری از اصولی که امروز در حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و اصل برابری انسان‌ها بدیهی تلقی می‌کنیم، اساساً شکل دیگری پیدا می‌کردند، در شرق آسیا نیز وضعیت به گونه دیگری اما از جهاتی مشابه بود.

ژاپن در سرزمین‌های اشغالی خود، نظامی امپراتوری و سلسله‌مراتبی ایجاد کرده بود. اتفاقاً رمان «جاده‌ای باریک در دل شمال» یکی از مناسب‌ترین منابع ادبی برای درک وجه انسانی همین مسئله است، موضوع فقط ساختن یک خط راه‌آهن نبود. پشت آن راه‌آهن، قدرت سیاسی، ارتش، تأمین لجستیک، بهره‌کشی از نیروی انسانی، اسارت، مرگ و رؤیای ایجاد یک امپراتوری آسیایی قرار داشت.

راه‌آهن در اینجا تنها یک سازه مهندسی نیست؛ بلکه به نمادی از قدرت دولت تبدیل می‌شود.

در این زمینه، مقایسه‌ای که میان راه‌آهن برمه و راه‌آهن سراسری ایران مطرح شده است بسیار جالب است؛ هرچند از نظر تاریخی و سیاسی نباید این دو پروژه را یکسان تلقی کرد.

راه‌آهن سراسری ایران پروژه‌ای برای اتصال شمال و جنوب کشور و ایجاد زیرساخت ارتباطی و اقتصادی در داخل قلمرو ایران بود، در حالی که راه‌آهن برمه-تایلند در بستر جنگ، اشغال نظامی و اهداف لجستیکی امپراتوری ژاپن ساخته شد، اما یک وجه مشترک مهم وجود دارد:

راه‌آهن در تاریخ معاصر فقط وسیله حمل‌ونقل نبوده است؛ بلکه ابزار دولت‌سازی، تمرکز قدرت، توسعه اقتصادی، جابه‌جایی نیرو و حتی جنگ بوده است از این منظر، شاید عنوان رمان نیز معنای عمیق‌تری پیدا کند.

آن «جاده باریک» فقط جاده‌ای در جنگل نیست؛ بلکه می‌تواند استعاره‌ای از مرزی باشد که انسان مدرن میان پیشرفت تکنولوژیک و سقوط اخلاقی طی می‌کند آیا جهان تحت سلطه محور الزاماً کاملاً متفاوت از جهان امروز بود؟ قطعاً!!!

اما شاید مهم‌ترین تفاوت، فقط در مرز کشورها یا نام دولت‌ها نبود تفاوت اساسی احتمالاً در مفهوم انسان و حقوق انسان بود. جهان پس از جنگ جهانی دوم، علی‌رغم همه کاستی‌ها و تناقضاتش، به سمت ایجاد مجموعه‌ای از نهادها و قواعد بین‌المللی حرکت کرد: سازمان ملل متحد، نظام حقوق بشر بین‌المللی، کنوانسیون‌های مربوط به جنایات جنگی، توسعه حقوق پناهندگان، گسترش اصل حاکمیت دولت‌ها و تلاش برای محدود کردن استفاده از زور در روابط بین‌الملل

البته نباید تصور کرد که جهان پس از ۱۹۴۵ به بهشت حقوق بشر تبدیل شد. جنگ سرد، استعمار، کودتاها، جنگ ویتنام، جنگ‌های خاورمیانه، نسل‌کشی‌ها و ده‌ها بحران دیگر نشان دادند که حتی پیروزی متفقین نیز نتوانست خشونت را از تاریخ بشر حذف کند، اما یک تفاوت بنیادین ایجاد شد: جنایت علیه انسان، دیگر صرفاً مسئله داخلی یک حکومت تلقی نمی‌شد و

www.golshanemehr.com

روایت وفاق و سازندگی در گنبد کاووس

در هفته دولت امسال ۲۱۶ برنامه متنوع فرهنگی هم توسط ادارات و نهادهای گنبد کاووس تدوین شده که طی این هفته در مناطق شهری و روستایی اجرا خواهد شد. فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه گنبد کاووس هم در این مراسم با اشاره به شکست آمریکا در جنگ نظامی علیه جمهوری اسلامی، گفت: استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا همواره بدنبال سرنگونی نظام جمهوری اسلامی هستند و برای تحقق این هدف شوم خود تلاش می‌کنند.

سرهنگ پاسدار سیدعلی حسینی بابیان اینکه استکبار جهانی و آمریکا آرزو سرنگونی نظام اسلامی ما را به گور خواهند برد، افزود: ملت ایران از اقوام و مذاهب اسلامی هوشیار و آگاه بوده و با مردم ونزوئلا، سوریه و افغانستان فرق می‌کنند و آنها همواره پشتیبان نظام، سرزمین، خاک، رهبری و نیروهای مسلح خود هستند. وی با تاکید بر ضرورت هوشیاری مقابل فتنه و توطئه‌های دشمنان در جنگ ترکیبی و شناختی، به در پیش بودن برگزاری دومین گنگره چهار هزار شهید گلستان اشاره کرد و گفت: کمیته‌های شهرستانی این رخداد بزرگ فرهنگی در گنبد کاووس هم تشکیل شده و در حال اجرای پیش برنامه‌های آن هستند.



عمرانی و اقتصادی هفته دولت در گنبد کاووس برای ۴۱۲۰ نفر از جوانان و افراد جویای کار این شهرستان فرصت شغلی ایجاد شده است. وی همچنین گفت:

نشان می‌دهد که دولت دکتر پزشکیان با وجود شرایط حساس و جنگی کشور اما پای کار مردم، عمران، آبادانی و سازندگی است. هاشمی ادامه داد: با افتتاح پروژه‌های

غزاله صیدانلو-مراسم بزرگداشت هفته دولت و روایت وفاق و سازندگی در گنبد کاووس با آیین متمرکز افتتاح و آغاز عملیات اجرایی ۲۸۰ پروژه عمرانی، اقتصادی و اشتغالزایی با حضور معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار و ۲ تن از مدیران کل گلستان، فرماندار ویژه، معاونین و مدیران ادارات و نهادها و نماینده مردم این شهرستان مرزی در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این مراسم که روز سه‌شنبه گذشته در سالن اجتماعات دانشگاه دولتی گنبد کاووس برگزار شد، معاون استاندار و فرماندار ویژه این شهرستان با تبریک هفته دولت و تقارن آن با هفته وحدت و نیز با گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان رجایی و باهنر، تصریح کرد: این هفته فرصت خوبی برای بیان اقدامات دولت و نظام جمهوری اسلامی بوده و در واقع هفته دولت امسال روایت وفاق و سازندگی دولت چهاردهم است. سلیمان هاشمی گفت: در هفته دولت امسال ۲۸۰ پروژه عمرانی و اقتصادی با مجموع دولت ۵۵ هزار و ۳۸۰ میلیارد ریال در مناطق شهری و روستایی شهرستان مرزی گنبد کاووس افتتاح و یا عملیات اجرایی آن آغاز می‌شود.

وی بابیان اینکه ۹۳ درصد پروژه‌های هفته دولت در گنبد کاووس افتتاحی است، افزود: افتتاح این تعداد پروژه

گلستان در زمره مناطق پاک کشور است

همچنین از کنترل بهداشتی فرآورده‌های وارداتی و نظارت بر کشتارگاه‌های مبدا گوشت‌های وارداتی خبر داد و گفت: دامپزشکان ایرانی و ناظران شرعی بر سلامت و نحوه ذبح این محموله‌ها نظارت می‌کنند. کاووسی با اشاره به ظرفیت‌های آبی‌پروری گلستان گفت: سایت پرورش میگوی گمیشان پس از تجربه بیماری لکه سفید در سال ۱۴۰۱، با تشکیل ستاد بحران و پاکسازی سریع، اکنون چهارمین سال متوالی است که عاری از این بیماری است. وی افزود: نمونه‌گیری مستمر، حضور مسئولان فنی و فعالیت تیم واکنش سریع در سایت پرورش میگو، نقش مهمی در حفظ این وضعیت و صیانت از سرمایه تولیدکنندگان دارد.

مبارزه با بیماری‌های انگلی، پایش بیماری‌های مشترک انسان و دام و نظارت بر سلامت دام‌های بومی، بخشی از اقدامات مستمر دامپزشکی در مناطق روستایی و عشایری استان است. کاووسی با اشاره به فعالیت ۸۲ کارخانه تولید خوراک دام، طیور و آبزیان در گلستان افزود: مسئولان فنی دامپزشک در این واحدها بر فرآیند تولید نظارت دارند و سلامت خوراک را حلقه نخست زنجیره سلامت غذا می‌دانند. وی از نظارت دامپزشکی بر کشتارگاه‌ها، مراکز فرآوری، قصابی‌ها، مرغ‌فروشی‌ها، جگرکی‌ها و مراکز عرضه فرآورده‌های خام دامی خبر داد و تاکید کرد: نظارت این مجموعه از «مزرعه تا سفره» ادامه دارد. مدیرکل دامپزشکی گلستان

مازندران ایجاد شد و با واکسیناسیون فوری دام‌ها در شعاع ۱۰ کیلومتری، بیماری مهار شد و اقدامات قانونی علیه عامل ورود غیرمجاز دام نیز انجام گرفت. کاووسی درباره آنفلوآنزای فوق‌حاد پرندگان نیز گفت: کانون‌های شناسایی‌شده در طیور بومی با ورود سریع تیم‌های واکنش سریع کنترل و طیور آلوده معدوم شدند و بیماری به واحدهای صنعتی استان سرایت نکرد. مدیرکل دامپزشکی گلستان با تاکید بر رایگان بودن بخش قابل توجهی از خدمات دامپزشکی گفت: واکسیناسیون علیه بیماری‌هایی مانند تب مالت، تب برفکی، هاری و سایر بیماری‌های استراتژیک در قالب برنامه‌های دولتی انجام می‌شود. وی ادامه داد: در کنار واکسیناسیون،

مدیرکل دامپزشکی گلستان با تشریح اقدامات این دستگاه در حوزه دام، طیور و آبزیان، از قرار داشتن استان در زمره مناطق پاک کشور از نظر بیماری‌های دام و طیور خبر داد و گفت: واکسیناسیون رایگان، پایش مستمر و فعالیت تیم‌های واکنش سریع، مهم‌ترین ابزار برای جلوگیری از گسترش بیماری‌ها در استان است. به گزارش روابط عمومی، علی کاووسی اظهار کرد: گلستان با وجود شیوع برخی بیماری‌های مهم دامی و طیور در کشور، توانسته با شناسایی سریع کانون‌ها و اقدام فوری، از گسترش بیماری به واحدهای صنعتی جلوگیری کند. وی با اشاره به شناسایی یک کانون تب برفکی در بندرگز افزود: این کانون در پی ورود غیرمجاز دام از



آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به خرید و حمل ۱۰۰۰۰ تن فیلر شسته جهت کارخانه آسفالت (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۷۷۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای رسته اشخاص حقیقی یا حقوقی دارای مجازات لازم از ردیف بودجه ۱۰ حساب انتظامی مواد و مصالح ساختمانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۶/۷ لغایت مورخه ۱۴۰۵/۶/۲۸ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مجید طاهری- شهردار گرگان- شناسه آگهی ۲۲۶۳۵۱۵

تفریح‌هایی که حالمان را خوب می‌کند



دورهمی می‌تواند خیلی ساده‌تر از اینها باشد. یکی چای بیاورد، یکی میوه یا کیک، یکی هم یک بازی از کمد بیرون بکشد. لازم نیست خانه بی نقص باشد یا میز شام مفصلی چیده شود. حتی گاهی چند نفر می‌توانند روی بالکن، حیاط، پارک محله یا یک فضای عمومی نزدیک خانه بنشینند و چند ساعت با هم حرف بزنند. چیزی که این دورهمی را دوست‌داشتنی می‌کند، احتمالاً همان چیزهایی است که در برنامه‌های تفریحی پرزرق‌وبرق کمتر به چشم می‌آید: اینکه آدم‌ها وقت دارند برای هم حرف بزنند، خاطره تعریف کنند، بخندند، از حال هم باخبر شوند و مدتی گوشی‌ها را کنار بگذارند. این «با هم بودن» آن‌قدرها هم موضوع ساده‌ای نیست. سازمان جهانی بهداشت در گزارش سال ۲۰۲۵ خود ارتباط اجتماعی، تنهایی و انزوای اجتماعی را از مسائل مهم سلامت عمومی دانسته و بر ایجاد فرصت‌های بیشتر برای ارتباط میان آدم‌ها تأکید کرده است. در همین گزارش، از فضاهایی مثل پارک‌ها، کتابخانه‌ها و دیگر فضاهای عمومی به‌عنوان بخشی از زیرساخت اجتماعی یاد شده که می‌توانند زمینه دیدار و ارتباط مردم را فراهم کنند. پس شاید برای یک شب خوب، همیشه لازم نباشد جایی رزرو کنیم یا هزینه زیادی بپردازیم. گاهی کافی است به چند نفر زنگ بزنیم و بگوییم: «بایید عصرانه دور هم باشیم».

محله مقصدی که فراموش کرده‌ایم

یکی از ارزان‌ترین منابع تفریحی، جایی است که هر روز از کنار آن رد می‌شویم: محله خودمان. کتابخانه محله، پارک، فرهنگسرا، زمین ورزشی، مسجد، بازار محلی، برنامه‌های فرهنگی، نمایشگاه‌ها، برنامه‌های اجتماعی، مسیرهای پیاده‌روی و رویدادهای کوچک محلی می‌توانند فرصت‌هایی برای تفریح باشند. مشکل اینجاست که بسیاری از ما برای تفریح دنبال «مقصد» می‌گردیم، نه «فرصت». در حالی که یک محله فعال می‌تواند بخشی از نیازهای تفریحی ساکنانش را بدون سفر و هزینه زیاد تأمین کند. این موضوع برای شهرها هم اهمیت دارد و شاید یکی از مهم‌ترین سیاست‌های شهری در آینده همین باشد: تفریح نباید فقط چیزی باشد که مردم برای رسیدن به آن مجبور به پرداخت پول و طی کردن مسافت زیاد شوند. پارک خوب، کتابخانه خوب، زمین ورزشی و فضای عمومی مناسب، خودشان زیرساخت شادی‌اند.

تفریح را بگن؛ شادی همیشه پشت و پرتین نیست

رایگان بودن، لزوماً به معنای بی‌کیفیت بودن نیست. یک سفر گران یا شام در رستورانی لوکس می‌تواند خاطره‌ساز باشد، اما یک پیاده‌روی دونفره، بازی خانوادگی، دورهمی ساده یا چند ساعت کتاب خواندن در پارک هم می‌تواند حال آدم را عوض کند. تفاوت شاید در این باشد که در بسیاری از تفریح‌های پرهزینه، بیشتر چیزی می‌خریم و در تفریح‌های ساده، خودمان تجربه را می‌سازیم. خرید می‌تواند لذت‌بخش باشد، اما شادی الزاماً از سبد خرید نمی‌آید. یک عصر جمعه در پارک، گفت‌وگوی طولانی با یک دوست روی نیمکت یا بازی با بچه‌ها، شاید از نظر مالی تجربه‌های کوچکی باشند، اما از نظر خاطره و حال خوب، لزوماً کوچک نیستند. شاید لازم باشد گاهی از خودمان بپرسیم: برای تفریح واقعاً به چه چیزی نیاز داریم؟ یک خرید تازه یا چند ساعت وقت برای قدم‌زدن، خندیدن و با هم بودن؟ بعضی شادی‌ها هنوز قیمت ندارند؛ فقط باید دوباره یادمان بیاید کجا پیداایشان کنیم.

فاصله بگیرد. حتی می‌شود مطالعه را به یک قرار کوچک شخصی تبدیل کرد؛ مثلاً هفته‌ای یک عصر، یک کتاب و یک جای دنج. نه با هدف تمام کردن کتاب، نه برای اینکه تعداد کتاب‌های خوانده‌شده‌مان را بالا ببریم؛ فقط برای اینکه چند دقیقه از روز را جور دیگری بگذرانیم. شاید کتاب‌خوان شدن پروژه بزرگی نباشد؛ گاهی فقط کافی است دوباره از خواندن لذت ببریم.

بازی چیزی که بزرگسال‌ها فراموش کرده‌اند

کافی است به بچه‌ها نگاه کنیم؛ برای بازی کردن به مناسبیت خاصی احتیاج ندارند. یک توپ، چند تکه کاغذ، یک بازی قدیمی یا حتی یک وسیله ساده می‌تواند بهانه‌ای برای ساعت‌ها سرگرمی باشد. اما همین آدم‌ها وقتی بزرگ‌تر می‌شوند، بازی کم‌کم از برنامه زندگی‌شان حذف می‌شود و جایش را کار، خرید، گوشی و هزار جور مشغله دیگر می‌گیرد. بزرگسال‌ها معمولاً برای تفریح دنبال چیزی می‌گردند که «ارزش» داشته باشد؛ ورزشی که برای سلامتی باشد، سفری که خاطره بسازد، فیلمی که حرفی برای گفتن داشته باشد یا کافه‌ای که تجربه تازه‌ای بدهد. کمتر پیش می‌آید فقط برای بازی کردن دور هم جمع شویم. در حالی که لازم نیست بازی حتماً سرگرمی مخصوص کودکان باشد. یک دست شطرنج، اسم‌وفامیل، پانتومیم، کارت‌بازی یا حتی یک مسابقه ساده خانوادگی می‌تواند یک شب معمولی را از حالت تکراری بیرون بیاورد. مهم‌تر از خود بازی هم شاید همان چیزی باشد که در جریان آن اتفاق می‌افتد: چند نفر دور یک میز می‌نشینند، با هم رقابت می‌کنند، می‌خندند و برای مدتی تلفن‌هایشان را کنار می‌گذارند. شاید بد نباشد گاهی تفریح را جدی نگیریم؛ بازی کنیم، فقط چون بازی کردن خوش می‌گذرد.

دورهمی؛ شاید ارزان‌ترین شکل لوکس زندگی

گاهی برای اینکه همدیگر را ببینیم، آن‌قدر دنبال برنامه می‌گردیم که اصل ماجرا فراموش می‌شود. قرار است چند نفر دور هم باشند، اما قبل از آن باید درباره رستوران، کافه، جای مناسب و هزینه‌ها تصمیم بگیریم؛ آن‌قدر که گاهی ترجیح می‌دهیم اصلاً قرار نگذاریم. در حالی که یک

طبیعت؛ جایی که برای ورود به آن لازم نیست بلیت بخریم

پارک محله، باغ، فضای سبز، مسیر کنار رودخانه، کوه یا جنگل، همگی می‌توانند مقصد یک تفریح کم‌خرج باشند. حتی یک عصر ساده در پارک، با کمی قدم‌زدن یا نشستن در فضای باز، می‌تواند حال‌وهوای روز را عوض کند. این فقط یک توصیه برای «هوای تازه خوردن» نیست. در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران به تأثیر حضور در طبیعت بر سلامت بیشتر شده است. یک مطالعه در سال ۲۰۲۳، با بررسی ۹۲ مطالعه درباره برنامه‌های «تجویز طبیعت»، نشان داد وقت‌گذرانی و فعالیت در طبیعت می‌تواند با بهبود برخی شاخص‌های سلامت روان، کاهش فشارخون و افزایش فعالیت بدنی همراه باشد. البته کیفیت مطالعات یکسان نبوده و این نتایج به معنای جایگزین شدن طبیعت با درمان پزشکی نیست. شاید نکته مهم‌تر این باشد که برای استفاده از این فرصت، همیشه لازم نیست به مقصدی دور سفر کنیم؛ گاهی همان پارک نزدیک خانه، می‌تواند یک تفریح ساده و کم‌هزینه برای چند ساعت فاصله گرفتن از روزمرگی باشد.

کتاب؛ تفریحی که هم‌زمان ذهن را از

روزمرگی بیرون می‌برد

کتاب خواندن معمولاً در فهرست «تفریح‌های ارزان» فراموش می‌شود، چون آن را بیشتر فعالیت آموزشی می‌دانیم تا سرگرمی. اما وقتی مطالعه را برای لذت و نه صرفاً برای امتحان، کار یا افزایش اطلاعات ببینیم، ماجرا متفاوت می‌شود. گاهی می‌شود یک عصر خلوت، کتابی را که مدت‌هاست نیمه‌کاره مانده برداشت و روی نیمکت پارک نشست. یا شب، پیش از اینکه دوباره در شبکه‌های اجتماعی بچرخیم، چند صفحه از یک رمان را خواند. حتی لازم نیست برای شروع، کتاب تازه‌ای بخریم؛ کتابخانه‌ها، کتاب‌های قدیمی خانه، امانت گرفتن از دوستان یا تبادل کتاب می‌تواند این تفریح را تقریباً بدون هزینه کنند. مزیت کتاب شاید این باشد که برخلاف بسیاری از سرگرمی‌های امروزی، برای خوش گذراندن با آن لازم نیست مدام چیزی تازه دریافت کنیم. کافی است چند صفحه را آرام بخوانیم و اجازه بدهیم ذهن برای مدتی از خبرها، پیام‌ها، اعلان‌ها و شتاب روزانه

یک عصر معمولی را تصور کنید؛ روز کاری تمام شده، خستگی روی تن مانده و ذهن دنبال یک راه فرار از فشار روزمره می‌گردد. ساده‌ترین پیشنهادها معمولاً آشنا هستند: برویم رستوران، کافه، خرید، سینما، یک تفریح تازه، یک سفر کوتاه یا چیزی بخریم که حالمان را بهتر کند. اما یک سؤال ساده وجود دارد: آیا برای خوشحال بودن حتماً باید چیزی بخریم؟ به گزارش ایرنا زندگی، در اقتصادی که بخش بزرگی از سرگرمی و اوقات فراغت را با «تجربه‌های قابل خرید» تعریف می‌کند، کم‌کم این تصور شکل گرفته که تفریح یعنی خرج کردن؛ هرچه تجربه گران‌تر، جذاب‌تر و متفاوت‌تر باشد، ظاهراً حال بهتری هم باید به همراه بیاورد. اما بخش مهمی از پژوهش‌های سلامت و بهزیستی تصویر دیگری نشان می‌دهد. پیاده‌روی، بودن در طبیعت، فعالیت بدنی، مطالعه برای لذت، بازی، گفت‌وگو و ارتباط با دیگران، فقط سرگرمی‌های ساده و قدیمی نیستند؛ این فعالیت‌ها می‌توانند با سلامت روان، احساس رضایت، کاهش تنهایی و کیفیت زندگی ارتباط داشته باشند. شاید مسئله این نباشد که «چقدر برای تفریح پول داریم؟»؛ سؤال مهم‌تر این باشد که چقدر بلذیم از امکاناتی که همین حالا در اختیارمان است استفاده کنیم؟

تفریح را گران کرده‌ایم، نه شادی را

بسیاری از چیزهایی که امروز به عنوان «تفریح» می‌شناسیم، به یک محصول اقتصادی تبدیل شده‌اند. برای رفتن به سفر باید هزینه کرد؛ برای رستوران رفتن باید هزینه کرد؛ برای بسیاری از سرگرمی‌های شهری باید بلیت خرید؛ حتی گاهی برای یک دورهمی خانوادگی هم خرید و سفارش غذا به بخش اصلی ماجرا تبدیل می‌شود. این روند به خودی خود بد نیست. انسان به تفریح، تجربه تازه و مصرف فرهنگی و اقتصادی نیاز دارد. مسئله از جایی شروع می‌شود که تفریح پولی تنها شکل قابل تصور تفریح شود. آن وقت ممکن است فرد بعد از یک هفته پرتنش، به جای اینکه از خودش بپرسد «چه چیزی به من انرژی می‌دهد؟»، بپرسد: «برای اینکه حالم خوب شود، چه چیزی بخرم؟» در حالی که بسیاری از نیازهای روانی ما الزاماً به خرید پاسخ نمی‌دهند. گاهی چیزی که نیاز داریم، تغییر فضا است؛ گاهی حرکت، گاهی آفتاب و هوای آزاد، گاهی خندیدن با دوستان، گاهی یک بازی خانوادگی و گاهی فقط یک ساعت فاصله گرفتن از صفحه‌نمایش.

پیاده‌روی؛ شاید ساده‌ترین تفریح دنیا

پیاده‌روی یکی از کم‌هزینه‌ترین تفریح‌هاست و در عین حال می‌تواند به سلامت جسم و روان کمک کند. پژوهشی که در سال ۲۰۲۶ در مجله پزشکی ورزشی بریتانیا منتشر شد و ۳۷۲ مطالعه با بیش از ۳.۳ میلیون نفر را بررسی کرد، نشان داد فعالیت بدنی در اوقات فراغت با سلامت روان بهتر و سطح پایین‌تر مشکلات سلامت روانی ارتباط دارد. برای شروع هم کار پیچیده‌ای لازم نیست؛ می‌توانیم عصرها در محله قدم بزنیم، با یکی از اعضای خانواده پیاده‌روی کنیم، مسیر تازه‌ای پیدا کنیم یا حتی بخشی از مسیرهای روزانه را به جای خودرو پیاده برویم. پیاده‌روی فقط ورزش نیست؛ فرصتی برای تغییر فضا، فاصله گرفتن از روزمرگی و کمی وقت گذراندن با خودمان یا دیگران است.